

خصوصیتی دارد که بملاحظه آن خصوصیت ایشان پیشنهاد کردند و آن این است که بر حسب رأی مجلس در جلسه قبل قابل توجه شد ولی حالاً ممکن است با آن نظر آقای مغیر موافقت بفرمایند تا ایرت جدید داده شود.

پیشنهاد ختم جلسه هم شده است آقا سید یعقوب - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید آقا سید یعقوب - بنده از این جهت باختتم جلسه مخالفم که مکرراً اینجا گفته شده که مجلس رو به تمام شدن است و تکلیف این بیچاره‌هایی که در این مجلس مانده‌اند معین نشده است

بنده عقیده‌ام این است که خوب است این دیون دولتی را جزو دستور قرار بدهند که تکلیف این بیچاره‌ها هم معین بشود این است عقیده بنده

وزیر عدلیه چنانچه خاطر محترم آقایان مسبوق است لایحه راجع بمسئولیت مدتهاست تقدیم شده و در کمیسیون هم تصویب شده و ایرت هم حاضر شده از این جهت استدعای کنم که برای جلسه آتی جزو دستور قرار بدهند چون بیش از این نمی‌شود و او را بلا تکلیف گذاشت و با احتیاجی که وزارتخانه باین شخص دارد مقتضی است که هر چه زودتر تکلیفش معین شود.

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای شوشتری راجع بختم جلسه آقایانی که تصویب می‌کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده جلسه آتی روز سه شنبه دستور هم اولاً انتخاب دو نفر عضو برای کمیسیون عدلیه ثانیاً بقیه خبر های کمیسیون مبتکرات که البته هر چه زودتر مجلس تکلیفش را معین کند بهتر است و بعد هم پیشنهاد آقای وزیر عدلیه راجع به مسیو برتی و س از آن هم لایحه دیون دولتی و ضمناً استخدام پاناریان را هم آقایان بفرمایند جزو دستور شود

مجلس يك ربع بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م شهاب علی خطیبی

جلسه ۲۲۷ صورت مشروح مجلس ۲۲ دی ماه ۱۳۰۴ مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید صورت مجلس یکشنبه بیستم دی ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع (اجازه)

حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - قبل از دستور

رئیس - آقای شوشتری

شوشتری - قبل از دستور

رئیس - آقای سهراب زاده

سهراب زاده - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای ملک

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور

رئیس - آقای تهرانی

آقا شیخ هلی تهرانی - بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه نوشته‌اند بنده اجازه خواسته‌ام

رئیس - اصلاح می‌شود دو لایحه که از طرف وزارت عدلیه راجع باصلاح قانون

استخدام قضات تقدیم مجلس شد بکمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام کشوری

فرستاد شده است نه بکمیسیون عدلیه چون سابقه اش را هم بنده نگاه کردم دیدم اصل قانون اصل استخدام قضات هم بکمیسیون

عدلیه در دوره چهارم ارجاع نشده بود در صورت مجلس نوشته شده است بکمیسیون

عدلیه ارجاع شود باید اصلاح شود نسبت بصورت مجلس آقایان فرمایش دارند؟

(گفته شد: خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای حاج آقا رضا رفیع (اجازه)

حاج آقا رضا رفیع - در چند سال قبل برای اتفاق ناگواریکه در گیلان روی داده بود یکمده سی هزار نفری از شهر رشت با طرف مهاجرت کردند فرار کردند بچنگلها و دهات اطراف و تقریباً دوهزار نفرشان بتهران آمدند و بعضی‌ها در راه مردند و بزحمت های زیاد دچار شدند

آن‌هایی که بتهران آمدند در تهران بودند تا بهمت حضرت اشرف آن روز و اعلیحضرت امروز اسباب آسایش آن‌ها فراهم شد و بر گشتند باوطن خودشان

وقتی که در تهران بودند برای بیچارگی و فلاکت و بدبختی آن‌ها دوات وقت این طور صلاح دانست که بعنوان قرضه از نقطه نظر عزت نفس آن‌ها بآن‌ها چیزی داده شود

پنج سال از این مابین گذشته است و الان باننزویل صدی نمایانم چه در مالیه حسابی بالا آورده و يك تلگرافی از آنجا کرده‌اند بسختی

از ما مطالبه می‌کنند با تنزیل و استدها کرده‌اند از مقام محترم مجلس که بدولت تذکر داده شود همان طور که با مهاجرین و فلک زدگان خارجه در ممالک خارجه رفتار می‌شود و همانا طهر هم بامارتا شود

از این جهت بنده این ورقه را تقدیم می‌کنم و از حضور مقدس ریاست پناهی تقاضا می‌کنم که بدولت تذکر داده شود و آقایان هم باینده کمک بفرمایند که این قضیه حل بشود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

حاج آقا رضا رفیع - در باب جنگل هم که در چند جلسه قبل عرض کرده بودم جنگل نیست يك خرابه است در يك همچو مملکتی که از آنجا چهارمیلیون پوت برنج بخارجه فرستاده میشود اگر این درخت

ها را بزند نمیتوانند زراعت کنند خواهش می‌کنم که در این خصوص مجدداً تذکر داده شود که اسباب راحتی مردم آن جا فراهم شود

رئیس - هر دو قسمت تذکر داده خواهد شد

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم؟

افشار - بنده مخالفم

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - بدبختانه وقت مجلس خیلی کم است در نظام نامه هم برای

سئوال يك مدنی معین نشده است که از وزیری که سئوال می‌شود در ظرف يك مدت معلومی حاضر برای جواب شود

اغلب آقایان می‌دانند که بنده در سال گذشته راجع باعانه ارومیه يك سئوالی از وزیر مالیه وقت کرده ام و تا به حال حاضر برای دادن جواب نشده‌اند

لهذا بنده مجبورم يك مطالبی و يك قرار داده‌ای که مخالف اصول حاکمیت

ملی ما با اجانب در خارج بسته شده و صورت سواد مصدق آن‌ها را تحصیل کرده‌ام

و اگر سئوال کنم در دوره ششم هم شاید وزیر برای جواب حاضر نشود عین سواد مصدق آن‌ها را برای استحضار خاطر

آقایان نمایندگان محترم در این جا بخوانم

رئیس - جنابعالی بعنوان مخالف با ورود در دستور این جا آمدید حرف بزنید

افشار - اگر آقایان اجازه میدهند بخوانم

دو سه نفر از نمایندگان - بخوانید

نیجات - شاید صلاح نباشد

رئیس - مسئله دلاج نیست طرف باید این جا باشد و جواب بدهد سئوالتان را تجدید کنید بنده بهر وسیله باشد وزیر را می‌گویم بیاید این جا جواب بدهد

افشار - بنده راجع به قرارداد بختیاری‌ها که در ۱۹۰۵ با کمیانی نفت جنوب بسته شده است از وزارت مالیه سئوالی دارم

رئیس - لایحه تفریح بودجه مجلس از بابت سنه ۱۳۰۳ تهیه شده است به کمیسیون محاسبات مجلس فرستاده می‌شود

طرح قانونی است از طرف عده زیادی از آقایان نمایندگان قرائت می‌شود

(شرح ذیل خوانده شد)

بر نمایندگان محترم پوشیده نیست که رعایت احترام و تجلیل گذشته‌گانی که منشاء خدمات اساسی به مملکت بوده‌اند موجب تشویق به خدمت و تنها سبب تکثیر خادمین وطن است و نظر

باینکه علاقه‌مندان به سعادت ملت و هوا خواهان ترقی مملکت خاصه نمایندگان محترم مجلس شورای ملی پاس مجاهدات اشخاصی را که خدمات نمایانی بوطن

نموده‌اند فرض و لازم میدانند امضاء کنندگان ماده واحده ذیل را باقیه دو فوریت پیش نهاد و برای تصویب تقدیم می‌نماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می‌نماید که دولت محل مناسبی را بدفن خادمین وطن که خدمات آن‌ها موجب حفظ استقلال مملکت و تأمین سعادت ملت است با تشخص مجلس شورای ملی تخصیص و «به‌مدفن خادمین وطن» موسوم گرداند و آثاری بنام مرحوم کریم خان وکیل در آن بنا نموده و با نظر اداره مباشرت مجلس با طرز و اسلوب شایانی آن را تعمیر و مضارح آن را در ضمن بودجه تقدیم مجلس شورای ملی بشماید

کازرونی - امضاها بش را بخوانید

اسامی امضاء کنندگان شرح آتی قرائت شد

سید ابراهیم ضیاء • علوی • محمد ولی اسدی • شوشتری • محمد هلی طهرانی • کی استوان • روحی • حسن ملک • سلطانی • میرزائی • امامی

خوئی • دیوان بیگی • یوسف عدل • ذوالقدر • محقق • نجدد • شیروانی • علاءالدین بهجانی • میرزا آقاخان

رئیس - آقای نظامی

نظامی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی هم که جزو امضاء کنندگان هستند

آقای شوشتری شوشتری - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

بلند میشود و هر چه آن وزیر حساسی باشد و خیالات بزرگی داشته باشد و بخواد عملی بکند نمیتواند...

دولت چند نفر را مشخص کرده شایسته ولایت این هستند که کرسی معارف را لیاقتاً (نه سیاستاً) اشغال کند...

اینست که بنده موافق بودم با آن قسمت اول طرح و امضاء هم کردم و دفاع هم می کردم و در کمیسیون هم باین رأی رتی که کمیسیون داده مخالف بودم ولی در اقلیت واقع شدم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقایانی که در دوره چهارم در مجلس چهارم تشریف داشته اند می دانند که آقای حائری زاده همیشه یک عقاید تنیدی داشتند که انشاء الله در صد سال دیگر شاید صورت بگیرد...

همان (شیر بی دوسر و اشکم که دید) است وزارت جنگ نمیخواهم. امین ما را شکایات می کند وزارت پست و تلگراف نمیخواهم. متلا مملکت قانون اساسی هم نمیخواهد...

بله باید هم منظور باشد. سیاست بیاید و سیاست برود. چرا برای اینکه اصل مشروطیت اینست که وزراء مسئول پارلمان و مسئول نماینده های ملت باشند و بمجلس بیایند و طرف سؤال و استیضاح واقع شوند...

حالا هم آدمیم و یک مدیری برای معارف برای مدت شش سال معین کرده ایم کنترات یا اجاره نامه اش هم در مجلس گذشت او هم رفت و مطابق با همان مواد (چنانکه امروز در بودجه وزارت مالیه نمیتوانیم حرف بزنیم...)

اینست که بنده موافق بودم با آن قسمت اول طرح و امضاء هم کردم و دفاع هم می کردم و در کمیسیون هم باین رأی رتی که کمیسیون داده مخالف بودم ولی در اقلیت واقع شدم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقایانی که در دوره چهارم در مجلس چهارم تشریف داشته اند می دانند که آقای حائری زاده همیشه یک عقاید تنیدی داشتند که انشاء الله در صد سال دیگر شاید صورت بگیرد...

همان (شیر بی دوسر و اشکم که دید) است وزارت جنگ نمیخواهم. امین ما را شکایات می کند وزارت پست و تلگراف نمیخواهم. متلا مملکت قانون اساسی هم نمیخواهد...

را گفته که حالا موقع گفتن آن شعر نیست پس فردوسی است که بکلمات عالی بملکت ما کرد و نژاد ایران را از نوزنده کرد و حقیقه او را دارای سروسامانی کرد...

تا برای این مانمی توانیم مطابق ابوالقاسم فردوسی کسی دیگر را پیدا کنیم من که حقیقه سراغ ندارم اگر بکنفر از نمایندگان ابوالقاسم دیگری بیاورند مطابق ابوالقاسم فردوسی بنده آنوقت رأی میدهم و آقای آقا میرزا علی که فوق العاده چیز هستند مستعصر خواهند شد...

بنده می خواهم عرض کنم که این هیچ فائده ندارد این است که بنده مخالفم که این کتاب چاپ شود ولی فرهنگ ناظم الاطباء چون یک فرهنگ جدیدی است و یک لغاتی است که در میان مردم مستعمل است مخالفت من در آن از راه بودجه اش بوده دیگر خسته شدم

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - چون اصل این طرح را بنده بیک عده از آقایان نمایندگان تویه کردیم و چندی قبل تقدیم داشتیم لهذا بنده برخودم لازم دانستم که بعضی توضیحات در این باب عرض کنم...

زیرا آثار رسمی و عمل هر ملت و اخلاق حمیده هر ملت و چیزهایی که لازمه تمدن بشر است لغات آن ملت است

حالا در این کتاب لغتهائی که بکلی معلوم و گفته شده و از بین رفته و هیچ محل استعمال نمیشود و هیچ احتیاجی در معیشت و زندگی و در ترقیات و در ادارات ندارد و در هیچ جهتی از جهات ما محتاج آن نیستیم نوشته شود...

برای اینکه بنده باندازمای که یک وکیل ضعیفی میتواند از حقوق ملت دفاع کند نسبت به بودجه عرض کردم ولی از نقطه نظر لغت بنده مخالفی ندارم لکن مخالفت من نسبت باین فرهنگ آزاد است و باین کتاب لغت مخالفم آقایان بردارند مقدمه اش را بخوانند ببینند از دورای که لسان عرب غلبه پیدا کرد بر عجم حقیقه کسی که لسان عجم را تجدید کرد فردوسی بود و همانست که آن شعر

در او فرو گذار نشده است. این هم برای آقایان عرض کنم که بنده در سن چهارده سالگی رفتم بکعبه از دشت که شما اسمش را می شنوید در طرف بیضا و آن جاهائی که شما هیچ کدامتان اطلاع ندارید همه را دیدیم...

تا برای این مانمی توانیم مطابق ابوالقاسم فردوسی کسی دیگر را پیدا کنیم من که حقیقه سراغ ندارم اگر بکنفر از نمایندگان ابوالقاسم دیگری بیاورند مطابق ابوالقاسم فردوسی بنده آنوقت رأی میدهم و آقای آقا میرزا علی که فوق العاده چیز هستند مستعصر خواهند شد...

بنده می خواهم عرض کنم که این هیچ فائده ندارد این است که بنده مخالفم که این کتاب چاپ شود ولی فرهنگ ناظم الاطباء چون یک فرهنگ جدیدی است و یک لغاتی است که در میان مردم مستعمل است مخالفت من در آن از راه بودجه اش بوده دیگر خسته شدم

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - چون اصل این طرح را بنده بیک عده از آقایان نمایندگان تویه کردیم و چندی قبل تقدیم داشتیم لهذا بنده برخودم لازم دانستم که بعضی توضیحات در این باب عرض کنم...

زیرا آثار رسمی و عمل هر ملت و اخلاق حمیده هر ملت و چیزهایی که لازمه تمدن بشر است لغات آن ملت است

حالا در این کتاب لغتهائی که بکلی معلوم و گفته شده و از بین رفته و هیچ محل استعمال نمیشود و هیچ احتیاجی در معیشت و زندگی و در ترقیات و در ادارات ندارد و در هیچ جهتی از جهات ما محتاج آن نیستیم نوشته شود...

برای اینکه بنده باندازمای که یک وکیل ضعیفی میتواند از حقوق ملت دفاع کند نسبت به بودجه عرض کردم ولی از نقطه نظر لغت بنده مخالفی ندارم لکن مخالفت من نسبت باین فرهنگ آزاد است و باین کتاب لغت مخالفم آقایان بردارند مقدمه اش را بخوانند ببینند از دورای که لسان عرب غلبه پیدا کرد بر عجم حقیقه کسی که لسان عجم را تجدید کرد فردوسی بود و همانست که آن شعر

دهند ولی متأسفانه بواسطه اینکه در هر چیزی لازمست که یک انگشتها و دستهای پیش بیاید و در این قضیه هم بنده خیال می کنم یک دستها و انگشتهایی از خارج دخالت کرده و از یکطرف ما که صاحبان این طرح بودیم بهمان نظری که عرض کردم تبلیغات نکردیم...

تا برای این مانمی توانیم مطابق ابوالقاسم فردوسی کسی دیگر را پیدا کنیم من که حقیقه سراغ ندارم اگر بکنفر از نمایندگان ابوالقاسم دیگری بیاورند مطابق ابوالقاسم فردوسی بنده آنوقت رأی میدهم و آقای آقا میرزا علی که فوق العاده چیز هستند مستعصر خواهند شد...

بنده می خواهم عرض کنم که این هیچ فائده ندارد این است که بنده مخالفم که این کتاب چاپ شود ولی فرهنگ ناظم الاطباء چون یک فرهنگ جدیدی است و یک لغاتی است که در میان مردم مستعمل است مخالفت من در آن از راه بودجه اش بوده دیگر خسته شدم

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - چون اصل این طرح را بنده بیک عده از آقایان نمایندگان تویه کردیم و چندی قبل تقدیم داشتیم لهذا بنده برخودم لازم دانستم که بعضی توضیحات در این باب عرض کنم...

زیرا آثار رسمی و عمل هر ملت و اخلاق حمیده هر ملت و چیزهایی که لازمه تمدن بشر است لغات آن ملت است

حالا در این کتاب لغتهائی که بکلی معلوم و گفته شده و از بین رفته و هیچ محل استعمال نمیشود و هیچ احتیاجی در معیشت و زندگی و در ترقیات و در ادارات ندارد و در هیچ جهتی از جهات ما محتاج آن نیستیم نوشته شود...

برای اینکه بنده باندازمای که یک وکیل ضعیفی میتواند از حقوق ملت دفاع کند نسبت به بودجه عرض کردم ولی از نقطه نظر لغت بنده مخالفی ندارم لکن مخالفت من نسبت باین فرهنگ آزاد است و باین کتاب لغت مخالفم آقایان بردارند مقدمه اش را بخوانند ببینند از دورای که لسان عرب غلبه پیدا کرد بر عجم حقیقه کسی که لسان عجم را تجدید کرد فردوسی بود و همانست که آن شعر

زیرا خط اوستا یکی از خطوط قدیمه ایرانی بوده است که اهراب جزء کلمه است در همه جا و این خط فوق العاده خوانندش آسانست منتها یک معلم میخواد و یک کتابی است که اگر در دسترس عمومی باشد بالاخره از روی آن کتاب لغت میتوان خط اوستا را بتدریج بمرض استفاده عمومی گذارد زیرا پهلوی هر لغت هر بی بخت اوستا عین آن لغت نوشته شده است...

تا برای این مانمی توانیم مطابق ابوالقاسم فردوسی کسی دیگر را پیدا کنیم من که حقیقه سراغ ندارم اگر بکنفر از نمایندگان ابوالقاسم دیگری بیاورند مطابق ابوالقاسم فردوسی بنده آنوقت رأی میدهم و آقای آقا میرزا علی که فوق العاده چیز هستند مستعصر خواهند شد...

بنده می خواهم عرض کنم که این هیچ فائده ندارد این است که بنده مخالفم که این کتاب چاپ شود ولی فرهنگ ناظم الاطباء چون یک فرهنگ جدیدی است و یک لغاتی است که در میان مردم مستعمل است مخالفت من در آن از راه بودجه اش بوده دیگر خسته شدم

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - چون اصل این طرح را بنده بیک عده از آقایان نمایندگان تویه کردیم و چندی قبل تقدیم داشتیم لهذا بنده برخودم لازم دانستم که بعضی توضیحات در این باب عرض کنم...

زیرا آثار رسمی و عمل هر ملت و اخلاق حمیده هر ملت و چیزهایی که لازمه تمدن بشر است لغات آن ملت است

حالا در این کتاب لغتهائی که بکلی معلوم و گفته شده و از بین رفته و هیچ محل استعمال نمیشود و هیچ احتیاجی در معیشت و زندگی و در ترقیات و در ادارات ندارد و در هیچ جهتی از جهات ما محتاج آن نیستیم نوشته شود...

برای اینکه بنده باندازمای که یک وکیل ضعیفی میتواند از حقوق ملت دفاع کند نسبت به بودجه عرض کردم ولی از نقطه نظر لغت بنده مخالفی ندارم لکن مخالفت من نسبت باین فرهنگ آزاد است و باین کتاب لغت مخالفم آقایان بردارند مقدمه اش را بخوانند ببینند از دورای که لسان عرب غلبه پیدا کرد بر عجم حقیقه کسی که لسان عجم را تجدید کرد فردوسی بود و همانست که آن شعر

مطابق ایران محسوب میشود و حقیقتاً اسباب چشم روشنی معارف است. در این مطبوعه سالی دو کتاب از بهترین کتب فارسی معاصر چاپ شود.

به همین طریقی که در ماده دو اشاره شده است مطبوعه معارجی که می کند از همین این کتابها بردارد و زیادهایش را بصاحبش بدهد آن وقت فرهنگ آقای ناظم الاطباء هم که فرهنگ بسیار خوبی است اولین کتابی باشد از آن دو کتابی که در هر سال چاپ می شود و در سه ماه بیشتر فاصله نخواهد داشت.

بنده هم اگر تألیفات خوبی دارم می - آورم و میدهم چاپ شود آن آقا هم اگر تألیفات خوبی دارند می آورند و میدهند به همین ترتیب سالی دو کتاب از مطبوعه مجلس بیرون خواهد آمد و بعد از پنج سال داری ده کتاب و بعد از ده سال داری بیست کتاب و بعد از بیست سال داری چهل کتاب خواهد شد.

معتبده بنده در این مملکت هیچ کارو هیچ خدمت بالاخره هیچ قدم بهتر از نوشتن و انتشار و طبع کتب نیست و لول اینکه آن کتاب مکتب موش گربه باشد تا چه رسد بیک کتاب فرهنگی.

رئیس - رای گرفته میشود بمقادیر خبر کمیسیون.

روحی - بنده پیش نهادی دارم افسر - بنده هم پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - حالا مورد مطرح شدن پیش نهاد نیست باید رأی قابل توجه بودنش بگیریم پیش نهادی هست کمیسیون ارجاع می شود. رای گرفته میشود بمقادیر خبر کمیسیون مبتکرات راجع باین طرح آقایانیکه موافقت می فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد. همانطوریکه کمیسیون مبتکرات پیشنهاد کرده است ما خارجی ندارد ذکرش در اینجا چه فایده دارد و مقصود چیست.

بنا بر این خوبست این کلام را از اینجا حذف کنند. برای اینکه یک چیز که مصداق خارجی ندارد در ضمن یک پیش نهادیکه بمجلس می آید ازومی ندارد.

رئیس - در موقعیکه خود این طرح بمجلس می آید ممکن است اصلاح شود فعلا باید در اساس گفتگو کرد. آقای شیروانی.

شیروانی - موافقم.

رئیس - آقای افسر موافقم.

افسر - موافقم.

رئیس - آقای آقاسید بقوب (اجازه)

آقاسید بقوب - بنده خواستم از معجز کمیسیون مبتکرات - سؤال کنم طرح هائی که مستلزم یک معارجی است آیا مسئول این معارج کیست می فرماید اداره مباشرت مجلس من نمیدانم این مسئله پارلمانی است

مجلس است؟ چه مسئله است؟ حالا بنده حمله نکند.

مخصوصاً آقای شیروانی که میخواهند بعمله هر موضوع را از بین ببرند. بنده سؤال می کنم که مسئول این خرج کیست در تحت نظر کیست اگر بفرمائید از بودجه مجلس مصرف میشود بودجه مجلس فتم بقلم معین شده و خواند آن معین است.

بنابر این بنده خواستم بدانم که مسئول خرج آن کیست؟ آیا اداره مباشرت مسئول است یا هیئت رئیسه.

یاقول آقای آقا میرزا علی کمیسیون کتابخانه معمول است آیا آن شخصی که مسئولیت برای این خرج دارد بکمیسیون مبتکرات آمده است و کمیسیون مبتکرات با او صحبت کرده و برداشت معارج را کرده اند که چقدر معارج دارد اینها یک مسأله است که از نقطه نظر بودجه و مصارف ماباید در آن نظارت داشته باشیم و باین توجه کنیم.

بنده تمام داد و قاله سر این است و از نقطه نظر قسمی که خورد هم باید از نقطه نظر صرفه معارج را و احداً و احداً در تحت نظر بگیریم و مخیر کمیسیون هم جواب بدهند.

رئیس - آقای آقاسید ابراهیم ضیاء آقاسید ابراهیم ضیاء - خود نماینده معتمد پیش از بنده اطلاعات پارلمانی دارند طرح قانونی که تقدیم می شود ۱۰ اگر این طرح راجع به یکی از وزارتخانهها باشد موافق مواد نظامنامه کمیسیون مبتکرات نظر آن وزارتخانه را هم جلب میکنند.

همانطور که ملاحظه میفرمائید این طرح مربوط بقصد مجلس شورای ملی است کمیسیون مبتکرات مثل سایر طرحها آن را مورد دقت و مطالعه قرار داد و بعد از مذاکره و تبادل نظر چون مربوط بقصد مجلس شورای ملی است وقتی قابل توجه بود و جریانهای پارلمانی خود را طی کنته میبایستی بانظر کمیسیون معاسبات و اداره مباشرت مجلس تمام شود و کمیسیون مبتکرات آن را قابل توجه دانست و سایر امور دیگر بسته بنظر مجلس شورای ملی است که با جریانات لازمه تمام شود.

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - رای گرفته میشود بمقادیر خبر کمیسیون راجع باین طرح آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. کمیسیون نسبت بارجاع این طرح به یکی از کمیسیون های موجود اظهار عقیده نکرده است اگر آقایان موافقت می فرمایند مثل همان طرح سابق بکمیسیون معارف و معاسبات مجلس ارجاع شود.

بمثنی از نمایندگان - صحیح است ضیاء - یک پیشنهاد دیگری هم راجع به مدرسه دخترانه ملایر است.

رئیس - فعلاً حاضر نیست بعد از نفس ممکن است مطرح شود.

چند دقیقه تفصیل داده میشود (در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و فاصله یک ربع مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون مبتکرات راجع بضرخ آقای حائریزاده مربوط به معارج مطرح است اول ماده واحده قرائت می شود.

(بعضیون ذیل خوانند شد)

ماده واحده - وزارت عدلیه مکلف است دوازده محکمه بدایت تهران و تبریز و مشهد و شیراز و کرمان و دوازده محکمه صالح نامحدود کردستان و زنجان و بروجرد و یزد و قزوین و کاشان و استرآباد و ملایر و فرزش و بوشهر و سبزوار و اردبیل و ملایر را اول اسفند ماه ۱۳۰۴ منحل نموده در عوض شش محکمه صالح نامحدود در تهران و دو محکمه صالح نامحدود در تبریز و دو محکمه صالح نامحدود در مشهد و یک محکمه صالح نامحدود در شیراز و یک محکمه صالح نامحدود در کرمان و یک محکمه بدایت در کردستان و یک محکمه بدایت در زنجان.

یک محکمه بدایت در بروجرد و یک استان و یک محکمه بدایت در یزد و یک محکمه بدایت در قزوین و یک محکمه بدایت در بارفروش و یک محکمه بدایت در استرآباد و یک محکمه بدایت در کاشان و یک محکمه بدایت در بوشهر و یک محکمه بدایت در اردبیل و یک محکمه بدایت در سبزوار و یک محکمه بدایت در ملایر با بودجه معیار منحل شده از اول اسفندماه ۱۳۰۴ تأسیس نماید.

خبر از کمیسیون مبتکرات بمجلس شورای ملی.

کمیسیون مبتکرات طرح قانونی جمعی از نمایندگان معتمد راجع به معارج و مورد شور قرار داده و بحضور معاون معتمد وزارت عدلیه عدلیه مذاکرات بعمل آمده طرح مزبور را اساساً و بطور کلی قابل توجه دانسته و پیشنهاد می نماید که به کمیسیون بودجه هدایه ارجاع شود.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اساساً آقایان در نظر دارند که تشکیلات قضائی بدون نظر ممکن است داده شود.

یک نظر تأمین عدالت است و یکی هم نظر قطع و فصل دعوی است.

یک مرتبه است که ما تشکیلات را طوری قرار میدهم که زودتر دعوی مردم تمام شود یکدفعه است که تشکیلات را طوری قرار می دهیم که عدالت را تأمین کند.

دعوی می زور و بالا و یک نوس صعود و نزولی را طی بکنند تا عدالت در کارها پیدا شود.

بعضی طرفدار این عقیده و برخی طرفدار آن عقیده اند.

بنده هم از اشخاصی هستم که طرفدار تفاوت بیضت هستیم یعنی هر چه زودتر دعوی مدعی و مدعی علیه قطع و فصل شود هر چه تشکیلات بسطت باشد بهتر است ولی متأسفانه این طرح نه از آن نقطه نظر است و نه از این نظر.

یعنی نه از نقطه نظر تشکیلات وسیع است و نه از نقطه نظر تشکیلات بسطت.

یکی دوسال است که بر حسب قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته است یعنی در دوره چهارم از کمیسیون عدلیه گذشته است معیار نامحدود در این مملکت باب و معمول شده است.

اگر از نقطه نظر صرفه جوئی در بودجه است؟

این را ماباید بدانیم که تشکیلات صالح نامحدود در سایر ممالک دنیا برای تقلیل بودجه نبوده است بلکه برای تقاضای است که موقعیتش اقتضا ندارد که محکمه بدایت در آنجا ها تشکیل شود.

مثلاً دزدان یک نقطه سر حدی است و از نقطه نظر تجارت و اتباع خارجه لازم است که یک محکمه در آنجا تشکیل شود و اگر بخواهیم محکمه صالح محدود تشکیل دهیم دعوی ابتدائیش که ما از دوازده چهار صد تومان باشد باید بشود و کرمان و قاطب خیلی دور دست فرستاده بشود.

لذا باید یک معیار صالح نامحدودی در آنجا ها تشکیل داد که به نوع دعوی در آنجا رسیدگی شود زیرا که محل گنجایش تشکیل یک محکمه ابتدائی که ما می هزار تومان خرجش است ندارد.

یا مثلاً در طیس بجز بودجه در جزو از اینگونه نقاط مقتضی است صالح نامحدود در آنجا ها تشکیل شود ولی در قزوین کردستان و استرآباد و یزد در آنجا ها اصلاً بقطط صالح نامحدود تشکیل دادماند.

زیرا یزد یک نقطه تجارتی است و استرآباد یک نقطه سر حدی است و هر کدام دارای یک اهمیت هائی هستند و محکمه ابتدائی باید داشته باشد ولی برای اینکه خواسته اند در مرکز یک اضافاتی منظور کنند آمده اند تشکیلات قضائی ولایات را کوچک کرده اند. اجازه اش را هم که در دوره چهارم گرفته بودند.

حالا آقایانیکه این طرح را امضاء کرده اند اگر نظرشان این است که صالح نامحدود بهتر از محکمه ابتدائی است و سرعت عمل را بیشتر میکند پس یزد و قزوین و جا هائی که صالح نامحدود دارد لازم نیست

صفحه ۱۶۵

دعوی می زور و بالا و یک نوس صعود و نزولی را طی بکنند تا عدالت در کارها پیدا شود.

بعضی طرفدار این عقیده و برخی طرفدار آن عقیده اند.

بنده هم از اشخاصی هستم که طرفدار تفاوت بیضت هستیم یعنی هر چه زودتر دعوی مدعی و مدعی علیه قطع و فصل شود هر چه تشکیلات بسطت باشد بهتر است ولی متأسفانه این طرح نه از آن نقطه نظر است و نه از این نظر.

یعنی نه از نقطه نظر تشکیلات وسیع است و نه از نقطه نظر تشکیلات بسطت.

یکی دوسال است که بر حسب قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته است یعنی در دوره چهارم از کمیسیون عدلیه گذشته است معیار نامحدود در این مملکت باب و معمول شده است.

اگر از نقطه نظر صرفه جوئی در بودجه است؟

این را ماباید بدانیم که تشکیلات صالح نامحدود در سایر ممالک دنیا برای تقلیل بودجه نبوده است بلکه برای تقاضای است که موقعیتش اقتضا ندارد که محکمه بدایت در آنجا ها تشکیل شود.

مثلاً دزدان یک نقطه سر حدی است و از نقطه نظر تجارت و اتباع خارجه لازم است که یک محکمه در آنجا تشکیل شود و اگر بخواهیم محکمه صالح محدود تشکیل دهیم دعوی ابتدائیش که ما از دوازده چهار صد تومان باشد باید بشود و کرمان و قاطب خیلی دور دست فرستاده بشود.

لذا باید یک معیار صالح نامحدودی در آنجا ها تشکیل داد که به نوع دعوی در آنجا رسیدگی شود زیرا که محل گنجایش تشکیل یک محکمه ابتدائی که ما می هزار تومان خرجش است ندارد.

یا مثلاً در طیس بجز بودجه در جزو از اینگونه نقاط مقتضی است صالح نامحدود در آنجا ها تشکیل شود ولی در قزوین کردستان و استرآباد و یزد در آنجا ها اصلاً بقطط صالح نامحدود تشکیل دادماند.

زیرا یزد یک نقطه تجارتی است و استرآباد یک نقطه سر حدی است و هر کدام دارای یک اهمیت هائی هستند و محکمه ابتدائی باید داشته باشد ولی برای اینکه خواسته اند در مرکز یک اضافاتی منظور کنند آمده اند تشکیلات قضائی ولایات را کوچک کرده اند. اجازه اش را هم که در دوره چهارم گرفته بودند.

حالا آقایانیکه این طرح را امضاء کرده اند اگر نظرشان این است که صالح نامحدود بهتر از محکمه ابتدائی است و سرعت عمل را بیشتر میکند پس یزد و قزوین و جا هائی که صالح نامحدود دارد لازم نیست

صفحه ۱۶۵

دعوی می زور و بالا و یک نوس صعود و نزولی را طی بکنند تا عدالت در کارها پیدا شود.

بعضی طرفدار این عقیده و برخی طرفدار آن عقیده اند.

بنده هم از اشخاصی هستم که طرفدار تفاوت بیضت هستیم یعنی هر چه زودتر دعوی مدعی و مدعی علیه قطع و فصل شود هر چه تشکیلات بسطت باشد بهتر است ولی متأسفانه این طرح نه از آن نقطه نظر است و نه از این نظر.

یعنی نه از نقطه نظر تشکیلات وسیع است و نه از نقطه نظر تشکیلات بسطت.

یکی دوسال است که بر حسب قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته است یعنی در دوره چهارم از کمیسیون عدلیه گذشته است معیار نامحدود در این مملکت باب و معمول شده است.

اگر از نقطه نظر صرفه جوئی در بودجه است؟

این را ماباید بدانیم که تشکیلات صالح نامحدود در سایر ممالک دنیا برای تقلیل بودجه نبوده است بلکه برای تقاضای است که موقعیتش اقتضا ندارد که محکمه بدایت در آنجا ها تشکیل شود.

مثلاً دزدان یک نقطه سر حدی است و از نقطه نظر تجارت و اتباع خارجه لازم است که یک محکمه در آنجا تشکیل شود و اگر بخواهیم محکمه صالح محدود تشکیل دهیم دعوی ابتدائیش که ما از دوازده چهار صد تومان باشد باید بشود و کرمان و قاطب خیلی دور دست فرستاده بشود.

لذا باید یک معیار صالح نامحدودی در آنجا ها تشکیل داد که به نوع دعوی در آنجا رسیدگی شود زیرا که محل گنجایش تشکیل یک محکمه ابتدائی که ما می هزار تومان خرجش است ندارد.

یا مثلاً در طیس بجز بودجه در جزو از اینگونه نقاط مقتضی است صالح نامحدود در آنجا ها تشکیل شود ولی در قزوین کردستان و استرآباد و یزد در آنجا ها اصلاً بقطط صالح نامحدود تشکیل دادماند.

زیرا یزد یک نقطه تجارتی است و استرآباد یک نقطه سر حدی است و هر کدام دارای یک اهمیت هائی هستند و محکمه ابتدائی باید داشته باشد ولی برای اینکه خواسته اند در مرکز یک اضافاتی منظور کنند آمده اند تشکیلات قضائی ولایات را کوچک کرده اند. اجازه اش را هم که در دوره چهارم گرفته بودند.

حالا آقایانیکه این طرح را امضاء کرده اند اگر نظرشان این است که صالح نامحدود بهتر از محکمه ابتدائی است و سرعت عمل را بیشتر میکند پس یزد و قزوین و جا هائی که صالح نامحدود دارد لازم نیست

دوره پنجم

وسه نفر که باشند ممکن است معطل شوند اما یک نفر سرعت عمل دارد و ما نمیتوانیم تصدیق کنیم که اهمیت سیاست قضائی بندر بوشهر اگر بیش از تهران نباشد کمتر خواهد بود.

زیرا در آنجا اغلب اتباع دول آمدو شد دارند تجارت دارند و در معاکام باید محاکمه شوند و باید دولت دقت کند و قضات ورزید در آن نقاط بفرستد که حقوق مردم پامال نشود.

یک صلح نامحدود یک نفر که معلوم نیست در کجا امتحانات داده اعزام بشود به بوشهر و در طهران شش محکمه ابتدائی باشد حقیقتاً بی انصافی است.

در صورتی که اطاق استیاف هم بپلوش هست از این جهت این طرح را ما تقدیم کردیم و یک شاه می تفاوت بودجه برای دولت حاصل نمیشود.

یاسائی - چهار هزار تومان ضرر وارد می شود.

حائری زاده - ما رنگتیم که قاضی را ترفیع رتبه بدهند یا تنزل رتبه بدهند ما گفتم این اطافی را که در طهران است شش گذاشته اند محکمه بدایت وسه نفر در آن جا نشسته اند یک نفر هم مدعی العموم در آن جا هست اینها را از اینجا بلند کنند و در بوشهر بنشانند و آن قاضی که در بوشهر نشسته بیاید اینجا بنشیند.

آنها می که در طهران حقوق بگیرند میروند در بوشهر حقوق بگیرند و آنها که در بوشهر میگیرند بیایند در طهران حقوق بگیرند این تفاوتی که میفرمائید کجاست؟

تفاوت بودجه اش را بن حلی کنید که در کجا است؟ ما که عضو جلدی استخدام نمی کنیم کسی راهم که بیگار نمی کنیم.

از نقطه نظر رتبه هم اگر میفرمائید؟ رتبه یک مسئله است فرضی وقتی وزارت عدلیه بوشهر را درجه سوم قرار داده و طهران را درجه اول قرار داده آن وقت قاضی که اعزام به بوشهر میشود وزارت عدلیه مجبور میشود که حقوقش را کم بدهد و قاضی که در طهران هست زیاد بدهد ولی وقتی به عکس بوشهر را درجه اول قرار بدهند ...

یاسائی - میبختند.

حائری زاده - در صورتیکه اگر بوشهر را از نقطه نظر اهمیت تجارتی قضائی در نظر بگیریم درجه اول هم هست به علاوه این مسئله حالا که در مجلس ختم نمی شود.

ما این را تقاضا کردیم که ارجاع شود به کمیسیون بودجه و در آنجا یک مطالعاتی بکنند و ببینند که آیا در بودجه تفاوتی حاصل میشود یا خیر؟

درواقع ما همان دوازده محکمه بدایت

را که فملاست جایش را عوض کرده ایم و شش محکمه بدایت را که در تهران هست تبدیل به صلح کرده ایم و برده ایم بشش ولایتی که محکمه صلح بوده محکمه بدایت قرار داده ایم یعنی در ولایاتی که دور از استیفاء است گفته ایم محکمه بدایت باشد که قضاوت شوروی بشود.

حالا مراجعه می شود بکمسیون بودجه و در آن جا دقت کامل می کنند اگر تفاوتی در بودجه حاصل شده بد فکرش را می کنند و بکمسیون هدلیه هم مراجعه می شود که به پیشنهاد از حیت رتبه هائی در قانون پیش بینی شده اشکالی دارد یا خیر؟

من که در قوانین ندیده ام که نوشته باشند طهران درجه اول بوشهر درجه چهارم... یاسائی هست حائری زاده - اگر هم چو چیزی هست من ندیده ام بالاخره اگر هم چو چیزی هم باشد در کمسیون عدلیه آن موادر اصلاح می کنند که مانع قانونی هم پیدا نکنند و این مسئله عملی شود و حقوق مردم هم امان نشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

میرزا محمد خان و کیل - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

میرزا محمد خان و کیل - علت مخالفت بنده با کفایت مذاکرات این است (آقای یاسائی هم در اینجا مذاکره فرمودند) و بنده معتقدم که آقایان مقدمه این لایحه را نخوانده اند.

یک ماده واحده در این جا خوانده شد در صورتیکه خود بنده هم که پیشنهاد کننده بودم اگر این مقدمه را نخوانده بودم کاملاً مخالف بودم باینجهت بنده عقیده ام این است که مذاکرات ادامه داده شود که آقایان وقت داشته باشند مقدمه لایحه را بخوانند.

رئیس - مذاکرات در موقعی که خود ماده مطرح شود خواهد شد - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی است رای گرفته می شود به مفاد خبر کمسیون مبتکرات نسبت به این طرح آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد خبر کمسیون مبتکرات راجع بطرح قانونی آقای حائری زاده نسبت به حقوق یک نفر معلمه برای مدرسه دخترانه ایتم ملایر (شرح آتی قرائت شد)

ماده واحده - دولت مجاز است از محل اضافه مالیات که برقریه آوزهان و سایر املاک فخرالحاجیه خانم ملایری افزوده می شود از ابتدای مهرماه ۱۳۰۴ سالی چهارصد و هشتاد تومان بتوسط وزارت معارف بمصرف حقوق یک نفر معلمه برای مدرسه دخترانه ایتم ملایر برساند.

خبر از کمسیون مبتکرات بمجلس شورای ملی.

کمسیون مبتکرات طرح قانونی آقای حائری زاده و جمعی از نمایندگان را راجع به حقوق یک نفر معلمه برای مدرسه دخترانه ایتم ملایر مورد شور قرار داده و با حضور نماینده وزارت مالیه مذاکرات بعمل آمده و در نتیجه کمسیون با طرح مزبور اساساً و بطور کلی موافقت نمود و آنرا قابل توجه دانسته و پیشنهاد مینماید که بکمسیون بودجه ارجاع شود.

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - با موافقتی که بنده در اصل قضیه دارم نظر بترتیب نظامنامه که روی اصل موافق و مخالف بایستی مطالب را بمعرض مجلس برساند بنده در اینخصوص بعنوان مخالف یک توضیحی بمعرض آقایان میرسانم.

در سنه ماضیه از طرف وزارت مالیه بیک نفر معین (میرزا نصرالله خان) رفت برای معین ملایر.

در نتیجه معین نسبت بعضی مالکین آنهم در قسمت جنس یک تخفیفی قائل شد.

البته آن تخفیف هم باز بعد عدالت نرسیده و زیاد روی شده است ولی نسبت برعایا تقریباً میشود گفت یک در ۵۰ مالیات اضافه نموده است.

مثلاً در یک منکی که قسمت نقدیش ۵۰ تومان بوده و از هر یک نفر رعیت جریبی ۵۰ قران میگرفتند ۲۵ قران الی ۳ تومان و ۴ تومان گرفته اند که تقریباً یک در ۵۰ یک در ۶۰ بلکه یک در ده فرق کرده است و حالا اگر این طرح راجع بود به تخفیف مالیاتی که از فخرالحاجیه گرفته میشود.

بنده خیال میکنم که هیچکس در اطراف آن مخالفتی نکند.

اگر اینقسمت سبب نشود که بواسطه این قابل توجه شدن در مجلس وزارت مالیه آن معیزی را کرده است یک صورت حق بجانب و مشروعی بآن بدهد باز بنده مخالف نیستم ولی اگر در این طرح و تصویب مجلس یک تحمیل فوق العاده نسبت برعایا بشود.

بنده و هیچ یک از آقایان اجازه نمی دهیم که در نتیجه دادن چهارصد تومان بیک نفر معلمه تقریباً هزار ۱۲ هزار نفر از پادرا بپند.

اگر این طرح راجع به آن اضافه مالیاتها باشد بنده مخالفم و اگر راجع به اصل مالیات باشد موافقم و خیلی هم تشکر میکنم از آقایان نمایندگان که این طرح را پیشنهاد کرده اند.

حائری زاده - همین شکلی که نماینده محترم فرمودند نظر بنده اوسایر آقایان که این طرح را امضا کرده ام تشییت آن مالیاتی که رفته اند و اجراء کرده اند نبود.

بنده آنچه شنیده ام و اطلاع پیدا کرده ام بر حسب رضایت مالکین آن حدود رفته اند و معیزی کرده اند.

بدیهی است نسبت بآن اشخاصی که رضایت داشته اند باید معیزی جاری بشود و نسبت به آن هائی که رضایت نداشته اند قانون از تصویب مجلس نگذشته باید معیزی را معطل بگذارند.

نسبت به فخرالحاجیه آنچه که بنده شنیده ام و اطلاع پیدا کرده ام دو هزار تومان نسبت به املاک او اضافه مالیات پیدا شده و خود این فخرالحاجیه تقاضا کرده است که بیایند معیزی کنند و پس از معیزی هم به اضافه جمعی که پیدا کرده رضایت داده و خودش تقاضا کرده است که چهارصد و هشتاد تومان در سال از این اضافه مالیات را بدهند به یک نفر معلمه برای مدرسه دخترانه ملایر که در آنجا اطفال یتیم را نگاهداری کنند و حرف و صنایعی که لازم آن ها است به آن ها بیاموزند و تصور نمی کنم این یک کار غلطی را تشییت کند.

به علاوه این یک طرحی است و به کمسیون می رود و پس از اینکه به شکل تنظیم خواهد شد که از عایدات کل مملکتی در سال چهارصد و هشتاد تومان داده شود که نظر آقایان محترم هم تأمین شده باشد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده در اصل موضوع یعنی بطور کلی با تعلیم و تربیت موافقم لیکن ما بیاییم و یک طرح ها و پیشنهاداتی راجع به تأسیس مدرسه برای یکی از ولایات بطور استثناء قائل شویم آن وقت نتیجه اینطور خواهد شد که هر ایالات و ولایات که یک زحماتی دارد و میتوانند اعمال نفوذی بکنند آن محل باید دارای مدرسه بشود.

والا بایستی فائد باشد حقیقه این مسئله را بنده در تحت هیچ اصلی از اصول نمی توانم واردش کنم و علت اینکه باید در ملایر مدرسه باشد امادرسایر نقاط نباشد بنده نمی فهمم چه دلیل !! فقط مدرکی دو نشان گفتند در اثر معیزی یک مالیاتی زیاد شده.

در یک جای دیگر هم يك مالیات دیگری در اثر معیزی کسر شده !! پس از روی این اصل در آن جائی که مالیات کسر میشود باید مدرسه اش را ببنند دور آنجائی که زیاد میشود مدرسه باز کنند!! آخرین که رسم مملکت داری نیست!!

ما باید تمام افراد مملکت را به یک چشم نگاه کنیم و تعلیم را بطور تساوی در همه جا تعمیم بدهیم.

بطور استثناء که نمی شود!! آنوقت در مقدمه اش چیز هائی می آوریم که گویا دنیا و ما فیهای مادرست می شود بواسطه این کاری که کرده ایم!! این ترتیب را باید موقوف کرد و اصول کلی در نظر گرفت و تمام را بایک نظر نگاه کرد.

بنده از این نقطه نظر است که کاملاً مخالفم و یک عیب دیگری هم دارد که بودجه مملکت تکه تکه میشود.

یک تکه اش باید رود ملایر یک تکه اش آذربایجان و یک تکه کوچکش هم باید برود به بنادر ما و از این جهات بنده بکلی مخالفم حالا بسته است بنظر آقایان.

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

آقای ضیاء - ابراهیم ضیاء - بعضی قسمت هائی در مجلس گفته میشود که وقتی آن مذاکرات اظهار می شود اگر جواب هم داده شود بهتر است.

برای مملکت هیچ فرقی نمیکند ملایر بوشهر - ابرقو - زرقان - شیراز - آذربایجان و بالاخره جاهائی که شامل مملکت ایران است هر نقطه و هر وجب خاکی که وارد در این نقشه است در برابر مجلس شورایی یکی است.

اگر در ملایر یک مدرسه دخترانه که سهل است یک مکتب بسیار خوبی هم دائر شود بهمان اندازه که اهالی ملایر سعادت می برند همانطور هم اهالی بوشهر سعادت میبرند.

برای اینکه همه عضو یک مملکت هستند به علاوه می فرمایند در مدرسه دائر نشده.

اصل طرح را گویا ملاحظه فرموده باشند مدرسه دائر شده و مدتی است این خانم محترمه از عایدات املاک خودش بهره وسیله که بوده است این مدرسه را دائر کرده است.

حالا برای توسعه این مدرسه برای اینکه بشود بیک نفر معلمه از تهران به آن مدرسه بفرستند خواسته شده است که وسایل تأمین زندگی گانی و اداره بیک نفر معلمه فراهم شود از این محل هم خود خانم فخرالحاجیه بانهاست میل قبول کرده است حالا که معیزی شده و در اثر این معیزی ناقص مالیات زیاد شده است.

این مدرسه از این محل دائر باشد ولی باز کمسیون باین قسمت قانع نشده است.

و نماینده وزارت مالیه را در کمسیون حاضر کرده است و مذاکره با حضور ایشان شده است. بالاخره در آخر طرح ملاحظه میفرمائید نوشته شده بکمسیون بودجه ارجاع شود و این طرح را کمسیون اساساً قابل توجه دانسته و برای اینکه قسمت مالیاتش هم اینطوری که فرمودند که از یک جا کسر و یکجا زیاد شود از نظر کمسیون بودجه بگذرد تقاضا شده است به آن کمسیون برود والا يك مدرسه دائر بوده است و بین ملایر و بوشهر هم هیچ فرقی نمی کند و اثبات شیئی هم نمی ما عدا نمی کند.

شاهم يك پیشنهادی بکنند برای بر ارجان - همه ما هم امضاء میکنیم میاید به کمسیون مبتکرات و کمسیون مبتکرات هم مسلماً قابل توجه میدانند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

آقا شیخ جلال - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم توضیحاتی که آقای حائری زاده دادند بدتر شد من مقصودم این بود کسانی که این طرح را امضاء کرده اند اطلاع نداشته اند.

عرض کردم این عیب را دارد و بیان نماینده محترم آقای حائری زاده بدتر کرد در صورتی که خدا میداند بنده کاملاً موافقم و حتی حاضر من از حقوق خودم هم پنجاه تومان بدمم.

رئیس - این مطلب بعد باید معلوم شود. صحبت در کفایت مذاکرات است.

آقا شیخ جلال - در کفایت مذاکرات عرض میکنم مقصودم این است که اگر این اضافه مالیات تصویب شود فخرالحاجیه دوهزار تومان استعاده کرده است آن وقت چهارصد تومانش را میدهد بیک نفر معلمه ولی در مقابل دوهزار تومان برعیت ضرر میخورد.

همین ملایر صدی بیست و پنج زمین است و صدی هفتاد و پنج باغ است رعیت هر جریبی پنجاه قران مالیات میداده است معین زفته است و سه تومان قیمت کرده است در این صورت باز فخرالحاجیه یک کاسبی مهمی کرده است چهار صد تومان داده است به معلم و دوهزار تومان فایده برده آقایان درست اصل مطلب را توجه بفرمایند بنده عرض کردم نسبت بسهم خودم حاضر من پنجاه تومان از حقوق خودم را تقدیم کنم ولی اصل مطلب را خوبست آقایان توجه بفرمایند تا مطلب معلوم شود که از تصویب این مالیات چه قدر ضرر میخورد.

رئیس - رای می گیریم بکفایت

مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(جمعی کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - رای گرفته می شود بمفاد و خبر کمسیون مبتکرات آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - طرح رد شد - پیشنهاد ختم جلسه شده است.

کفیل وزارت معارف - راجع بچند فقره کتبرات معلمین خارجی چون بنده اطمینان دارم که آقایان نمایندگان محترم خیلی علاقه مند هستند بانظام امور مدارس دوفقره از اینها که راجع بمسئو فراشو یکی هم راجع بمسئو هس از کمسیون گذشته و نقیصی ندارد و ممکن است برای روز پنجشنبه مطرح شد و تکلیفش معین شود.

سه فقره دیگر راجع است به معلمین مدرسه صنعتی که بنده یقین دارم آقایان در این مسئله بخصوص بیشتر علاقه دارند و بنده استدعا دارم که این سه فقره را هم اگر طبع شد حاضر شد جزو دستور پنجشنبه فرمایند که یک روز اختصاصی به امور معارفی داشته باشد.

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده مخالف با این پیشنهاد نیستم اما تکلیف این متخصصین را که معینی است در مجلس هستند باید زودتر معین شود که از حال بلام تکلیفی خارج شوند و خوبست این را مقدم بنادارند و در درجه دوم پیشنهادات آقای کفیل باشد.

رئیس - جلسه آتی روز پنجشنبه آینه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز که مانده است و پیش نهادات آقای مشار.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م شهاب علی خطیبی

جلسه ۲۴۸

صورت مشروح مجلس مورخه پنجشنبه بیست و چهارم دیماه ۱۳۰۴ مطابق بیست و نهم جمادی الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید صورت مجلس سه شنبه بیست و دوم دیماه را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند.

رئیس - حاج آقا رضا رفیع حاج آقا رضا رفیع - در دستور عرض دارم.